

چکیده

اقتصاد غیررسمی بخشی از فعالیت های اقتصادی کشور است که در آمارهای رسمی ثبت نمی شود در این مطالعه متغیر پنهان اقتصاد غیررسمی که به صورت تفاوت تولید کل و گزارش شده تعریف شده است، با استفاده از روش فیلتر کالمن و بر مبنای متغیرهای زیست محیطی شامل انتشار دی-اکسیدکربن و مساحت جنگل طی سال های (۱۳۵۹-۱۳۸۸) در اقتصاد ایران تخمین زده می شود. نتایج حاصل از تخمین مدل نشان می دهد اولاً: رابطه مستقیم بلند مدت و معنی دار با ضریب (۰/۵۸۹) بین تولید کل شامل تولید گزارش شده و گزارش نشده با انتشار دی-اکسیدکربن و رابطه غیر مستقیم و معنی دار با ضریب (-۱/۶۵) بین جنگل و دی-اکسیدکربن وجود دارد. ثانیاً: تولید کل برآوردی در تمامی سال ها از تولید گزارش شده بیشتر است که این یافته وجود اقتصاد غیررسمی را در ایران تایید می کند. ثالثاً: سهم اقتصاد غیررسمی از تولید ناخالص واقعی کشور در بین سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۸۸ به طور متوسط ۳۵/۶ درصد بوده است.

واژگان کلیدی: تولید گزارش شده، اقتصاد غیررسمی، انتشار دی-اکسیدکربن، جنگل، فیلتر کالمن

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
۱. فصل اول: کلیات تحقیق	۱
۱-۱. مقدمه	۲
۲-۱. بیان مساله	۲
۳-۱. پرسشهای تحقیق	۳
۴-۱. فرضیه های اصلی و فرعی	۳
۵-۱. اهداف تحقیق	۳
۶-۱. روش گردآوری اطلاعات و داده ها	۳
۷-۱. نوع تحقیق	۴
۲. فصل دوم: مبانی نظری و پیشینهی تحقیق	۵
۱-۲. مقدمه	۶
۲-۲. سابقه تاریخی اقتصاد غیررسمی	۶
۳-۲. اقتصاد غیررسمی	۹
۴-۲. علل ایجاد و گسترش اقتصاد غیررسمی	۲۴
۱-۴-۲. بارمالیاتی و سیستم تامین اجتماعی	۲۵
۲-۴-۲. شدت مقررات	۲۶
۳-۴-۲. دخالت های دولت و اختلال های قانونی	۲۷
۴-۴-۲. فساد، رانت جویی و نقش قانون	۲۸
۵-۲. آثار وجود اقتصاد غیررسمی	۳۱
۶-۲. روش های تخمین اقتصاد غیررسمی	۳۲
۱-۶-۲. رویکرد مستقیم	۳۳
۲-۶-۲. رویکرد غیرمستقیم	۳۳
۱-۲-۶-۲. تفاوت مخارج ملی و آمارهای مربوط به سطح درآمد	۳۳
۲-۲-۶-۲. تفاوت میان مقدر واقعی و رسمی نیروی کار	۳۴
۳-۲-۶-۲. رویکرد معاملاتی	۳۴
۴-۲-۶-۲. رویکرد تقاضای پول	۳۵

۳۶۵-۲-۶-۲. روش داده های فیزیکی (مصرف الکتریسیته)
۳۷۳-۶-۲. رویکرد مدلی
۴۱۷-۲. مروری بر پیشینه تحقیق در زمینه اقتصاد غیررسمی
۴۴۸-۲. مطالعات انجام شده در زمینه اقتصاد غیررسمی در ایران
۵۴۹-۲. نتیجه گیری
۵۵۳. فصل سوم: روش تحقیق و ارائه مدل
۵۶۱-۳. مقدمه
۵۶۲-۳. معرفی فضای حالت سیستم پویا
۵۶۱-۲-۳. تعریف فضای حالت
۵۸۲-۲-۳. فیلتر کالمن
۵۹۳-۲-۳. فیلتر کالمن ساده
۶۲۳-۳. داده ها و اطلاعات آماری
۶۴۴. فصل چهارم: برآورد مدل و آزمون فرضیه ها
۶۵۱-۴. مقدمه
۶۵۲-۴. برآورد مدل
۷۴۵. فصل پنجم: نتیجه گیری
۷۵۱-۵. نتیجه گیری
۷۶۶. منابع و ماخذ
۸۲۷. پیوست

فهرست جداول

عنوان	صفحه
جدول ۱-۲. تقسیم بندی انواع فعاليت‌ها در اقتصاد غيررسمي	۱۶
جدول ۲-۲. ساختار فعاليت‌هاي اقتصاد غيررسمي	۱۹
جدول ۳-۲. خلاصه‌ي روش‌هاي تخميني براي اندازه‌گيري اقتصاد پنهان	۳۹
جدول ۴-۲. مطالعات انجام شده در مورد حجم اقتصاد زيرزميني در ايران	۵۳
جدول ۴-۱. نتايج آزمون ريشه واحد ديكي- فولر تعميم يافته	۶۵
جدول ۴-۲. آزمون جوهانسون براي بررسي ارتباط همجمعي بين متغيرهاي دي اكسيد كربن، مساحت جنگل، توليد ناخالص داخلي و تعداد گارگاههاي صنعتي	۶۷
جدول ۴-۳. نتايج تخمين رگرسيون لگاريتم توليد ناخالص داخلي واقعي سرانه در دوره t بر روي لگاريتم توليد ناخالص داخلي واقعي سرانه در دوره $t-1$	۶۸
جدول ۴-۴. نتايج بررسي وجود خودهمبستگي در جملات خطاي معادله ۴-۵	۶۹
جدول ۴-۵. نتايج آماري رگرسيون معادله $\omega_t = \varphi_1 + \varphi_2 t + \varphi_3 \omega_{t-1} + u_t$	۶۹
جدول ۴-۶. نتايج بررسي وجود خودهمبستگي در جملات خطاي معادله ۴-۶	۷۰
جدول ۴-۷. نسبت‌هاي $\frac{CO_2}{TPES}$ و $\frac{GDP}{TPES}$ براي آلمان، انگليس و ايران	۷۲

فهرست شکل ها و نمودارها

عنوان	صفحه
نمودار ۱-۲. اثر بار مالیاتی بر انتخاب بهینه نیروی کار	۲۶
شکل ۱-۲. گسترش اقتصاد غیررسمی در طول زمان به وسیله عوامل (X) و اثر آنها روی شاخص های اقتصادی (Y)	۳۹
نمودار ۱-۴. تولید ناخالص داخلی واقعی و تولید ناخالص داخلی مشاهده شده	۷۱
نمودار ۲-۴. تفاوت بین تولید ناخالص داخلی واقعی و تولید ناخالص داخلی مشاهده شده.	۷۱
نمودار ۳-۴. نسبت $CO_2/TPES$ برای آلمان، انگلیس و ایران در سال های ۱۹۸۵، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۵	۷۳
نمودار ۴-۴. نسبت $GDP/TPES$ برای آلمان، انگلیس و ایران در سال های ۱۹۸۵، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۵	۷۳

۱-۱. مقدمه

در یک تقسیم بندی کلی اقتصاد هر کشور را می توان به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم بندی کرد. ملاک این تقسیم بندی قابلیت ثبت و گزارش فعالیت های اقتصادی مورد نظر به طور رسمی است.^۱ یکی از دغدغه های اخیر اغلب کشورها، روبرو شدن با برخی فعالیت های اقتصادی است که عموماً از دید ناظران رسمی به دور می ماند. دامنه حضور اینگونه امور در بر گیرنده بسیاری از فعالیت های قانونی و غیرقانونی است که بیشتر به دلیل عدم تمایل عاملین به شناسایی، مورد تایید و قبول جامعه و مقامات دولتی نمی باشند. فعالیت هایی مانند: تبادل کالاهای دزدی، تجارت مواد مخدر، فساد، قماربازی و قاچاق کالا، نمونه هایی از فعالیت های غیرقانونی و اموری از قبیل: عدم گزارش درآمدهای تحقق یافته، مزایای شغلی، تخفیفات نقدی ویژه کارکنان، تهاتر کالاهای مجاز جهت اجتناب از پرداخت مالیات، نمونه هایی از فعالیت های قانونی مشمول اقتصاد سایه می باشد. اقتصاد غیررسمی ادبیاتی گسترده و متنوع در زمینه علم اقتصاد دارد، و محققین مختلف برای بررسی جنبه های گوناگون این پدیده از زاویای متفاوت (از قبیل عوامل موثر بر رشد بخش غیررسمی و تخمین اندازه و اثرات آن بر بخش رسمی) کوشیده اند.

۱-۲. بیان مساله

چند روش توسط اقتصاددانان برای بدست آوردن اندازه اقتصاد زیرزمینی در کشورهای مختلف استفاده می شود. شواهد قابل دسترس فعلی برای برخی از کشورها دلالت بر این دارد که اولاً اقتصاد زیرزمینی در حال رشد است (نه فقط به صورت اسمی و واقعی، بلکه به صورت نسبی از تولید ناخالص ثبت شده)، ثانياً دلایلی وجود دارد که این رشد اقتصاد زیرزمینی با افزایش در بار مالیاتی واقعی همراه است، ثالثاً مدارکی وجود دارد که همانند قبل، بین فعالیت اقتصاد زیرزمینی و مقررات اقتصادی همراهی وجود دارد؛ به هر حال اندازه های کمی قابل دسترس اقتصاد زیرزمینی به یک واقعیت مهم اشاره دارد: "اندازه اقتصاد زیرزمینی در همه کشورها با توجه به داده هایی که گزارش شده است، در حال رشد است". این پدیده در این حالت نه فقط به صورت مطلق (اسمی) بلکه به طور نسبی نیز می باشد؛ زیرا که مشاهده می شود

^۱. Thomas, 1999

اقتصاد زیرزمینی اندازه گیری شده به صورت نسبی از تولید ناخالص داخلی هر کشور می- باشد. محدود بودن مطالعات انجام شده و استفاده از روش های مستقیم در مورد تحقیقات صورت گرفته در اقتصاد ایران، اهمیت موضوع، لزوم توجه و نگرش علمی به ساختار نامشهود اقتصاد سایه‌ی، مشکل رویارویی و مطالعه مستقیم این پدیده، بررسی اقتصاد غیررسمی با روش به کار رفته در پایان نامه را ایجاد کرد.

۳-۱. پرسشهای تحقیق

- ۱- روند اقتصاد غیررسمی در ایران چگونه است؟
- ۲- چه سهمی از تولید کشور به اقتصاد غیررسمی در سال های مختلف اختصاص دارد؟
- ۳- چه رابطه ای میان متغیرهای زیست محیطی مانند نسبت انتشار دی اکسید کربن به عرضه انرژی و اقتصاد غیررسمی در ایران وجود دارد؟

۴-۱. فرضیه های اصلی و فرعی

- ۱- روند اقتصاد غیررسمی در ایران طی سال های مورد بررسی افزایشی است.
- ۲- سهم اقتصاد غیررسمی در تولید کشور طی سال های مختلف، متفاوت است.
- ۳- بین نسبت تولید ناخالص داخلی به عرضه انرژی اولیه کل و نسبت انتشار دی اکسید کربن به عرضه انرژی اولیه کل و اقتصاد ثبت نشده ارتباط مستقیمی وجود ندارد.

۵-۱. اهداف تحقیق

- ۱- اندازه گیری اندازه اقتصاد غیررسمی برای ایران
- ۲- تعیین جایگاه اقتصاد غیررسمی در اقتصاد کشور
- ۳- بررسی اثرات متغیرهای زیست محیطی بر اندازه اقتصاد غیررسمی در ایران
- ۴- ارائه راهکارهای سیاستی جهت کاهش اقتصاد غیررسمی در ایران

۶-۱. روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

در این تحقیق آمار و اطلاعات مربوط به انتشار دی اکسید کربن از سایت بانک جهانی^۱، تولید ناخالص داخلی و جمعیت از سایت بانک مرکزی، مساحت جنگل از سازمان جنگل ها و

^۱. World Bank

مراتع، مساحت جنگل کاری و تعداد کارگاه‌های صنعتی از مرکز آمار ایران و عرضه انرژی اولیه کل^۱ از سایت آژانس بین المللی انرژی^۲ استخراج شده است.

۱-۷. نوع تحقیق

این تحقیق از نوع اکتشافی و علی پس از وقوع است و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: استفاده از ابزارهای تخمین مدل‌های سری زمانی در اقتصاد سنجی و رهیافت فیلتر کالمن^۳ در نرم افزار متلب^۴ می باشد.

^۱. Total primary energy supply
^۲. International Energy Agency
^۳. Kalman Filter
^۴. MATLAB

۲-۱. مقدمه

اقتصاد غیررسمی بعد از جنگ جهانی دوم و به دنبال حضور وسیع دولت در عرصه ی اقتصاد و در نتیجه ایجاد انگیزه های قوی در عاملان اقتصادی برای حرکت به سمت بخش غیررسمی مورد توجه قرار گرفت و طی دهه های اخیر ادبیات آن پیشرفت قابل توجهی داشته و اقتصاددانان با پی بردن به اهمیت این موضوع، سعی در بررسی و تحقیق بیشتر و معرفی روش های تخمین مناسب تر آن داشته اند.

با پیشرفت کشورها، قوانین و مقررات بیشتری ایجاد می شود که مجموعه این قوانین و مقررات و سیستم اطلاعاتی مربوط به آن، فعالیت های گوناگون بیشتری را در طبقه ی اقتصاد رسمی و غیررسمی می گنجاند، و به همین علت با پیشرفت کشورها، اقتصاد غیررسمی نمود بیشتری یافته و حساسیت بیشتری را ایجاد می کند. براین اساس می توان این فرضیه را مطرح کرد که شکاف بین نظریه های اقتصادی و واقعیات می تواند ناشی از ضعف سیستم های اطلاعاتی و آمار در ثبت همه ی واقعیات اقتصادی باشد، که این امر باعث تردید در برخی نظریه ها و کارآمدی سیاست گذاری های اقتصادی شده است.

۲-۲. مروری بر پیشینه ی اقتصاد غیررسمی^۱

عبارت اقتصاد غیررسمی از دهه ۱۹۷۰ برای فعالیتهایی که خارج از چارچوب شرکت های عمومی یا بنگاه های بخش خصوصی اتفاق می افتد به کار برده شده است. این اصطلاح ابتدا در واکنش به زیاد شدن خوداشتغالی در شهرهای کشورهای جهان سوم مطرح شد. اما بعداً همراه با دلایلی در بعضی از جوامع توسعه یافته، نظیر انگلستان بکار برده شد. این واژه با ویژگی های غیر صنعتی دیگری همراه گشت و با واژه های مثل اقتصاد پنهان، اقتصاد زیر زمینی و ... بکار گرفته شده است. این پدیده به حد کافی در نوشته های اقتصادی سابقه دارد. نواحی شرقی لندن در نیمه قرن ۱۹ نمونه ی آشکاری از سازمان های غیررسمی است که در نواحی کثیف با هم رقابت می کنند.

پس از یک دوره شور و اشتیاق ناشی از موفقیت در زمینه تخمین میزان فعالیت های اقتصادی پنهان، اکنون به نظر بسیاری از دانشگاهیان، اقتصاد پنهان دوباره به صورت وجودی

^۱. Informal Economy

اسرارآمیز و غالب بر هر معیار اندازه گیری درآمده است. بحران اقتصادی دهه ۱۹۷۰ بیش از هر چیز به اسرار آمیز جلوه کردن اقتصاد پنهان کمک نموده است.

بیشتر اقتصاددانان، خصوصا آنانی که در سازمان‌های اقتصادی مرتبط مانند بانک جهانی و یا سازمان بین المللی نیروی کار^۱ مشغول بودند، دریافته بودند که بخش غیررسمی باید در مورد زندگی آینده شهرهای فقیر کشورهای جهان سوم کاری انجام دهد.

تحقیقات هنری مایهو^۲ در دهه ۱۸۵۰ در روزنامه محلی صبح و یا فعالیت تشکیلات نیروی کار لندن و لندن فقیر هر کدام یک منبع کلاسیک و اولیه در این زمینه هستند. مطالعه وایت^۳ امریکایی در مورد اجتماع کنار خیابانی ۱۹۳۳ و چندین گزارش اسکار لوئیس^۴ در مورد فقر فرهنگی و یا مطالعه لویدا^۵ در سال ۱۹۶۴ بخش بسیار کوچکی از این برخوردها را در اقتصادهای توسعه یافته نشان می دهند.

مدلهای دوگانه توسعه اقتصادی که در دهه ۱۹۶۰ حاکم بودند، نقش رهبری جهان را از دست دادند. تئوری آرتور لوئیس(۱۹۵۴) که عرضه نیروی کار را نامحدود می پنداشت و بخش مدرنیته سرمایه داری را در مورد تجارت بین الملل طراحی می کرد، اساسا ترکیب زندگی و معیشتی کشاورزان را نشان می داد. نظریه با نفوذتر هاریس و تودارو در سال ۱۹۶۸ بیان شد. طی آن پیشنهاد شده بود که مهاجرت روستاییان به شهرها در آفریقا می تواند با تمرکز بر تفاوت نرخهای دستمزد نیروی کار ماهر و نرخهای نهایی دستمزد کارگران بخش کشاورزی طراحی شود، تا بدین وسیله برای آنها جهت رسیدن به زندگی استاندارد شهری و همچنین برای رفع بیکاری کمک شود. هارت^۶(۱۹۷۳) پیشنهاد کرد که رابطه بخشها با دو منبع اشتغال(رسمی و غیررسمی) ممکن است تا اندازه‌ی برای مدلهای توسعه اقتصادی در مقیاس بزرگ‌تر مهم باشد. خصوصا در اقتصاد غیررسمی ممکن است یک عامل نامشهود سرچشمه رشد باشد و پویایی آن منجر به تغییرات اقتصادی در بعضی از موارد باشد.

^۱. International Labor Organization
^۲. Henry Moyhew
^۳. Whyte, 1933
^۴. Oscar Lewis, 1954
^۵. Lavidia, 1964
^۶. Hart, 1973

دوگانگی (بخش رسمی و غیررسمی) و اهمیت بخش غیررسمی ممکن است فوری و بی واسطه از طرف عموم مردم به طور کامل پذیرفته شود قبول آن در سازمان مهمی مانند سازمان بین المللی کار و همچنین گزارش اثر آن بر روی درآمدها و اشتغال در کنیا (۱۹۷۲) که بخش غیررسمی را منبع اصلی توسعه ملی در نظر می گرفتند کافی بود تا گروه‌های زیادی از محققان این موضوع را در دهه ۱۹۷۰ مورد توجه قرار دهند.

به عبارت دیگر در مدل‌های سنتی بخش غیررسمی اساساً یک پدیده بازار کار و حاصل مازاد نیروی کار محسوب می‌شود که اکثریت آن را آن دسته از مهاجران روستائی تشکیل می‌دادند که قادر به یافتن کار در بخش مدرن شهری نبودند و در نتیجه طریقه غیررسمی خود در کار کردن و کسب درآمد ایجاد کرده بودند. با این دیدگاه بخش غیررسمی، بخشی محسوب می‌- گردید که از مسیر کلی توسعه به دور افتاده بود و قاعدتاً بایستی از طریق ایجاد اشتغال بیشتر در بخش مدرن شهری یا کلا حذف می‌شد و یا کاهش پیدا می‌کرد. اما در چندین سال اخیر، با مواجه شدن اکثر کشورهای در حال توسعه با بحران مالی این دیدگاه تعدیل شده است. بطوریکه در حال حاضر بخش غیررسمی که سابقاً بخش متشکل از مازاد نیروی کار محسوب می‌شد، یک منبع مهم تولید و درآمد به حساب می‌آید که با بخش مدرن شهری همزیستی فعال خاص خود را دارد. با این دیدگاه، بخش غیررسمی، یک بخش ایجاد کننده اشتغال شده است که اصولاً متاثر از عوامل خارجی کوتاه مدت نیست و استحقاق آن را دارد که از لحاظ دسترسی به اعتبارات، آموزش، تکنولوژی و بازارهای مختلف مورد حمایت قرار گیرد تا میزان تولید و درآمد آن افزایش یابد.

اما وقتی که دامنه حوزه اقتصاد غیررسمی را فعالیتهای جزائی و جنایی و فرار از مالیات گسترده می‌کنیم، دیدگاه فوق با تردید مواجه می‌شود در دهه ۱۹۹۰ بیشتر تحقیقات در زمینه اقتصاد غیررسمی به حوزه‌هایی که اقدام به اجتناب از پرداخت مالیات و بیمه‌های اجتماعی می‌کنند، معطوف شده است. اخیراً تحقیقاتی در مورد دلایل تشکیل اقتصاد غیررسمی شده است که فساد، بوروکراسی و ضعف سیستم‌های حقوقی و نهادهای که هدایت اقتصاد را به عهده دارند، دلیل تشکیل فعالیتهای غیررسمی می‌داند. لذا فقط دولت‌های غیرفاسد می‌توانند نرخهای مالیات بالا وضع کنند.

۲-۳. اقتصاد غیر رسمی

در عرف عمومی عبارت غیر رسمی^۱ رفتارهایی را دربرمی گیرد که بطور نسبی فاقد چارچوب هستند، به عنوان مثال ما همه تفاوت بین لباس رسمی و غیررسمی را می دانیم اما خود چارچوب^۲ چیست؟ آیا ثابت است یا متغیر، آن چیزی که ثابت نگه داشته می شود (قانون) در تمرین (در عمل) قابل تحقق است. پس چارچوب یک مفهوم نظم، قابل پیشگویی، تجدیدپذیر، قابل تصرف (شخصی) و ذاتا در بعضی جهات رفتار اجتماعی است (کیت هارت، ۱۹۷۳).

وقتی ما چیزی را غیررسمی تلقی می کنیم که از چارچوب خارج شده است. در اقتصاد، اقتصاد رسمی عبارت است از خلاصه ی از هر آنچه که بطور منظم در عصر ما مطرح است، لذا اقتصاد غیررسمی اقتصاد نامنظم است. بنگاههای مدرن سازمان سرمایه داری که به صورت اشتراکی اداره می شوند، تولیدکنندگانی که رفتار عقلانی دارند بوسیله اقتصاددانان مورد بررسی قرار می گیرند تا روش درست کار در این سازمانها بیان شود.^۳ به تعبیر دیگر از نقطه نظر دنیای مدرن، هر آن چیزی که نمی تواند کنترل شود و یا نمی توان آن را درک کرد غیررسمی است. (یعنی هر چیز بی قاعده، غیر قابل پیش بینی، متغیر، نامرئی). با توجه به مفهوم وسیع آن واژه های مختلفی برای تعریف این اقتصاد و یا تعریف بخشی از این اقتصاد بکار گرفته شده است.

واژه های مثل نابازاری^۴ (رو^۵ ۱۹۹۳)، غیرقانونی^۶ (لاکو^۷ ۱۹۹۲)، سیاه^۸ (پیل^۹ ۱۹۸۹)، گزارش نشده^{۱۰} (فایگ^{۱۱} ومگی^{۱۲} ۱۹۸۹)، پنهان^{۱۳} (گیلز^{۱۴} ۱۹۹۸)، غیررسمی^{۱۵} (توماس^{۱۶} ۱۹۸۵)، سایه ی^{۱۶}

^۱. Informal

^۲. Form

^۳. Keith Hart, Informal economy, The new Pallgrave A Dictionary of Economics, London: macmillian Press

^۴. Nonmarket

^۵. Row

^۶. Illegal

^۷. Lacko

^۸. Black

^۹. Pyle

^{۱۰}. Unrecorded or Unreported

^{۱۱}. Feige

^{۱۲}. Magee

^{۱۳}. Hidden

^{۱۴}. Giles

^{۱۵}. Unformal

^{۱۶}. Shadow

کاسل^۱(۱۹۸۴)، ثانویه^۲(کانتینی^۳۱۹۸۳)، نامنظم^۴(فایگ^۴۱۹۷۹) و نامرئی^۵(فایگ^۵۱۹۸۱)، زیر زمینی^۶(تانزی^۷۱۹۸۲).

شمدر^۸(۱۹۸۰) فعالیتهای اقتصاد پنهان را چنین تعریف می‌کند: کتمان کردن درآمدهای حاصل از فروش وسائل و ماشین آلات مستهلک شده، داشتن درآمدهای جنبی و مخفی نگه داشتن آن به وسیله نگه داری حساب‌های ویژه در خارج از کشور.

هنری^۹(۱۹۸۱) دزدی و کلاه برداری در محل کار را به عنوان پدیده های مهم اقتصاد غیررسمی ذکر می‌کند.

ویت و سیمون^{۱۰}(۱۹۸۲) اقتصاد پنهان را بر خلاف نظر فری و ویک فقط شامل فعالیت‌های جزائی و جنایی(غیرقانونی) می‌داند از قبیل تجارت مواد مخدر، فحشا.

اسمیت^{۱۱}(۱۹۸۲) نه فعالیتهای جنایی و جزائی و نه دزدی و کلاهبرداری در محل کار را جزء اقتصاد پنهان می‌داند، بلکه از نظر وی اقتصاد پنهان شامل فعالیتهای اقتصادی در بخش نامنظم می‌گردد. این فعالیتهای، فعالیتهایی هستند که هم در بخش منظم اقتصاد و هم در بخش غیرمنظم پیش می‌آیند، برای مثال زدن کاغذ دیواری یا نقاشی ساختمان، هم می‌تواند بوسیله شرکتها و افرادی که بطور رسمی و قانونی کار می‌کنند انجام پذیرد و هم بوسیله کسانی که فاقد مجوز بوده و حاضر به پرداخت مالیات و غیره نیستند. ولی مشکل اصلی این تعریف، تعیین مرز منظم و غیرمنظم است.

در مورد تعریف اقتصاد غیررسمی، تانزی^{۱۲}(۱۹۸۲) معتقد است که این بخش از اقتصاد به خاطر وجود برخی فعالیت ها که اندازه گیری و اخذ مالیات از آنها دشوار است، همچون کار خانگی و نیز فعالیت های غیر قانونی و پنهانی به وجود می‌آید.

^۱. Cassell

^۲. Second

^۳. Contini

^۴. Irregular

^۵. Unobserved or Invisible

^۶. Underground

^۷. Tanzi

^۸. Schmolder, 1980

^۹. Henry, 1981

^{۱۰}. Witte & Simon, 1982

^{۱۱}. Esmite, 1982

^{۱۲}. Tanzi

فری و ویک^۱ (۱۹۸۳) اعتقاد دارند علاوه بر نقل و انتقالات مالی، فعالیت‌هایی نیز جزء اقتصاد غیررسمی هستند که برای کشور ارزش اقتصادی ایجاد می‌کنند، ارزشهایی که جزء تولید ناخالص ملی بوده و قاعدتا بایستی در محاسبات حساب‌های ملی تبلور پیدا کنند.

کینک مولر و لیپتین^۲ (۱۹۸۳) فعالیت‌های غیررسمی را طبقه بندی نموده و پنج معیار برای تشخیص این فعالیت‌ها از فعالیت‌های رسمی پیشنهاد می‌کند که عبارت اند از:

۱. اصل مجاز بودن: یعنی اینکه آیا براساس قوانین و مقررات حقوقی حاکم در هر کشور، این فعالیت مجاز است یا خیر؟ فعالیت‌های مجاز اقتصادی متعلق به اقتصاد غیررسمی با جرایم اقتصادی ارتباط نزدیک پیدا می‌کند. این اصل دامنه وسیعی از فعالیت‌های غیررسمی را پوشش می‌دهد، و فرم‌های حقوقی تعیین کننده مرز اقتصادی غیررسمی و رسمی می‌شود. مثل قوانین جزائی، قوانین مالیاتی، قوانین ممنوعیت اجتماعی (مانند ممنوع بودن تولید مشروبات الکلی، فروش دستگاه‌های گیرنده ماهواره و یا ورود کالا با ارز دولتی و فروش آن در بازار آزاد)

۲. اصل اخلاقی بودن: بدین معنی که از نظر ارزشهای اخلاقی، مذهبی، قومی و ... حاکم، کردار و رفتار معینی و فعالیت‌های مشخصی ممنوعیت دارند. مثلا پرداخت رشوه و دایر کردن خانه فساد

۳. اصل قابل اندازه گیری بودن: فعالیت‌های غیررسمی هم به خاطر ماهیت غیرقانونی آنان و ترس از مجازات و هم به خاطر اینکه اصولا برای فرار از مالیات و سایر عوارض و هزینه ها بطور مخفی انجام می‌پذیرد، قابل ضبط در آمارهای رسمی نیستند، علیرغم اینکه در تولید کالاها و خدمات جامعه نقش دارند.

۴. اصل قابلیت درآمدزائی: بدین معنی که هر درآمدی حاصل از فعالیت اقتصادی بایستی در مقابل ارائه خدمت یا کالائی انجام پذیرد. درآمد بدون ارائه خدمت، درآمدی است که در حوزه اقتصاد غیررسمی امکان دستیابی به آن موجود است. مثل دریافت حق حساب، باجگیری.

۵. اصل تناسب: در جامعه فعالیت‌های اقتصادی نباید متضاد با سیستم اقتصادی حاکم باشد، در غیر این صورت در گروه فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی قرار می‌گیرد.

^۱. B. Frey & Weck H, The hidden economy as an unobserved variable, European Economic Review, 1983, pp33

^۲-از دیدگاه کینک مولر و لیپتین هر فعالیت‌ای که حداقل یکی از اصول پنج گانه فوق را نقض کند در حوزه اقتصاد غیررسمی قرار می‌گیرد.

مارس (۱۹۸۳) نگاهی دیگر به مسئله دارد و می‌گوید: "اقتصاد غیررسمی یک نوع سوءاستفاده است یعنی نقل و انتقال منابع برای مصرف خصوصی اشخاص، بدون ظاهر شدن در حسابهای رسمی و یا وارد شدن در سر فصلهای حسابهای دیگر. این منابع ممکن است مستقیماً مربوط به شغل فرد یا از منابعی خارجی و مرتبط با کار او باشد".

تعریف فوق، یکی از نکات جالب توجه را روشن می‌نماید و آن عبارت است از طبقه بندی مناسب برای منابع حسابهای درآمد ملی، زمانی که با سوءاستفاده مواجه هستیم. بعلاوه، این تعریف انواع دستبردهای کوچک در مورد کالا، پول و وقت را هم در برمی‌گیرد.

کارسون^۱ (۱۹۸۴) در تعریف این اقتصاد می‌گوید: گروهی از مردم برای استفاده از برخی مزایای دولتی، در مورد اشتغال و یا وضع درآمد خود دروغ می‌گویند، تا با این دروغ، مشمول استفاده از این مزایا گردند. بعلاوه، افرادی که برخی از سیاستهای دولت را قبول ندارند، ممکن است تصمیم بگیرند از قوانین مالیاتی سرپیچی نمایند.

در این تعریف سوءاستفاده از مزایای دولتی (فساد) و فرار مالیاتی اقتصاد غیررسمی را تشکیل می‌دهد.

چاگ و اوپال^۲ (۱۹۸۶) مفاهیم مهمی که با موضوع اقتصاد سیاه ارتباط دارند را به صورت زیر معرفی نموده‌اند:

پول سیاه: مانده‌های نقدی نگهداری شده، نظیر اسکناس و مسکوک و سپرده‌های نقدی بانکی که به صورت غیرقانونی بدست آمده‌اند.

درآمد گریخته از مالیات: درآمد مخفی شده از مقامات مالیاتی به منظور فرار از مالیات. منبع این درآمد می‌تواند قانونی یا غیرقانونی باشد اما عنصر مشترک، آن است که این درآمد (تمام یا بخشی از آن) به مقامات مالیاتی گزارش نشده باشد.

درآمد سیاه: درآمدی که از طریق روش‌های غیرقانونی نظیر قاچاق، بازار سیاه، فرار از مالیات و دیگر عملیات مخفی بدست آمده باشد. اساساً آن درآمدی است که با نقض کردن مقررات و کنترل‌های دولتی به دست آمده است.

^۱. Karsson, 1984

^۲. Chugh & Uppal, 1986

گاهی اوقات عبارات درآمد سیاه و درآمد گریخته از مالیات یکسان در نظر گرفته می‌شود. اما یک تمایز دقیقی بین این دو وجود دارد. درآمد گریخته از مالیات، درآمد سیاه است چون که فرار از مالیات، غیرقانونی است. اما همه درآمدهای سیاه، درآمد گریخته از مالیات نیستند چرا که برخی از درآمدهای غیرقانونی افراد، ممکن است زیر سطح درآمد مشمول مالیات باشد.

کبرا^۱ درآمد سیاهی که منبع اصلی آن قانونی باشد اما به خاطر فرار مالیاتی غیرقانونی شده باشد را متمایز نموده است. او آن را درآمد سیاه ساده^۲ نامیده است. اما در جایی که منبع کسب درآمد غیرقانونی باشد (نظیر قاچاق) و مالیات بر آن نیز پرداخت نشده باشد، آن را درآمد سیاه مرکب^۳ نامیده است. این تمایز بدان جهت مهم است که در حالت اول انگیزه اولیه گریز از مالیات است و در دومین حالت، انگیزه‌ی اولیه، ممکن است گریز از مالیات نباشد بلکه نقض کنترل‌ها و مقررات اقتصادی موجود باشد.

ثروت سیاه: موجودی دارایی‌های غیرقانونی در نقطه‌ی معینی از زمان. این دارایی‌ها عموماً به شکل طلا، سنگ‌های قیمتی، دارایی‌های مالی و حقیقی شامل مانده‌های نقدی و سایر دارایی‌های ارزشمند، نگهداری می‌شوند. بخشی از ثروت سیاه که به شکل مانده‌های نقدی نگهداری می‌شوند، پول سیاه را تشکیل می‌دهد.

تولید ناخالص ملی اندازه‌گیری نشده: بخشی از اقتصاد کشور که توسط مقامات حسابداری درآمد ملی، اندازه‌گیری نمی‌شود و لذا در داده‌های رسمی از GNP به حساب نمی‌آید. GNP اندازه‌گیری نشده می‌تواند به دو بخش تقسیم شود فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی که عمداً توسط عوامل از مقامات حسابداری درآمد ملی پنهان شده‌اند و درآمدی که در نتیجه نقص روش‌های حسابداری درآمد ملی اندازه‌گیری نمی‌شود.

اقتصاد سیاه: بخش غیرقانونی اقتصاد کشور است. در این بخش، همانند اقتصاد اندازه‌گیری شده‌ی رسمی، کالاها و خدمات تولید می‌شود، اشتغال و درآمد ایجاد می‌شود، اما فعالیت‌ها در این بخش غیرقانونی است. به دلیل طبیعت غیرقانونی آن، موضوع بسیار مهمی را برای دولت و جامعه تشکیل می‌دهد.

^۱. Kabra. 1990

^۲. Simple Black Income

^۳. Compound Black Income

واقعیت این است که ممکن است برخی از فعالیت‌های غیرقانونی به صورت پنهانی اداره شوند اما اغلب این فعالیت‌ها در کنار فعالیت‌های اقتصادی قانونی انجام می‌دهند.

فایگ^۱ (۱۹۸۹): "علی‌رغم تشخیص گسترده‌ی اهمیت فعالیت‌های زیرزمینی، ابهام قابل ملاحظه‌ی در مورد ماهیت دقیق این پدیده وجود دارد. مؤلفین مختلف عناوین گوناگونی را به کار برده‌اند که فراوانی این عناوین نشان‌گر اغتشاش در ادبیاتی است که تلاش دارد بخش کشف نشده‌ی از فعالیت‌های اقتصادی را روشن سازد."

فایگ معتقد است اقتصاد غیررسمی شامل آن دسته از فعالیت‌های اقتصادی است که دور زدن هزینه هستند و از منافع و حقوق گنجانیده شده در قوانین و مقررات اداری در روابط مالکیت، صدور مجوز تجاری، قرارداد کار، جرایم، اعتبار مالی و سیستم‌های امنیت اجتماعی را پوشش می‌دهد. به طور خلاصه اقتصاد غیررسمی درآمد تولید شده توسط عوامل اقتصادی است که به طور غیررسمی فعالیت می‌کنند.

فایگ با استفاده از رویکرد نهادگرایی جدید، فعالیت‌های اقتصاد زیرزمینی را به چهار نوع غیر قانونی، گزارش نشده، ثبت نشده و غیررسمی طبقه بندی می‌کند.

فعالیت‌های غیرقانونی کلیه‌ی فعالیت‌های درآمدزایی (نظیر دزدی، فحشا، قاچاق مواد مخدر) را شامل می‌شود که انجام آنها در قوانین رسمی کشورها غیرقانونی و با مجازات همراه خواهد بود.

فعالیت‌های گزارش نشده شامل فعالیت‌هایی است که اکثراً در پاسخ به سیاست‌های اقتصادی دولت انجام می‌شود؛ فرار از مالیات، عدم پرداخت حق بیمه و قاچاق کالا نمونه‌هایی از این گونه فعالیت‌ها هستند. معیار خلاصه برای اقتصاد گزارش نشده، مقدار درآمدی است که بایستی به مقامات مالیاتی گزارش شود، اما نشده است. یک معیار مکمل برای اقتصاد گزارش نشده "شکاف مالیاتی" یعنی تفاوت بین مقدار درآمدهای مالیاتی که باید به مقامات مالیاتی پرداخت می‌شود و مقدار درآمد مالیاتی است که واقعا جمع‌آوری شده است.

فعالیت‌های ثبت نشده شامل آن گروه از فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که قواعد نهادی در مورد الزامات گزارش‌دهی به مراکز آمار دولتی را رعایت نمی‌کند. معیار خلاصه در مورد اقتصاد

^۱. Feige, 1989

ثبت نشده، مقدار درآمد ثبت نشده است، یعنی مقدار درآمدی که بایستی (تحت قواعد و رویه-های موجود) در نظام‌های حسابداری ملی (نظیر حساب‌های تولید و درآمد ملی) ثبت شود، اما نمی‌شود. درآمد ثبت نشده، اختلاف بین درآمد یا محصول کل و مقدار درآمد یا محصول لحاظ شده یا به حساب آمده توسط نظام حسابداری آماری را نمایش می‌دهد. فعالیت‌هایی نظیر خانه‌داری، خودخدمتی و کارهای داوطلبانه را شامل می‌شود که کم و بیش در تمام اقتصادها مشاهده می‌شوند. یک جزء به ویژه مهم فعالیت اقتصادی ثبت نشده در کشورهای در حال توسعه، تولید خانوار است. اگرچه نظریه تولید و درآمد ملی پیشنهاد می‌کند که تولید خانوار بایستی در حساب‌های ملی منظور شود، این بخش به علت مشکلات اندازه‌گیری حذف شده است.

فعالیت‌های غیررسمی شامل آن گروه از فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که هزینه‌های معاملاتی^۱ را نادیده می‌گیرند و از منافع و حقوق مندرج در قوانین و قواعد اداری پوشش دهنده روابط مالکیت، صدور پروانه بازرگانی، قراردادهای کارگری، خسارات، نظام‌های اعتبار مالی و تامین اجتماعی محروم می‌شوند. معیار خلاصه برای اقتصاد غیررسمی درآمد تولید شده توسط کارگزاران اقتصادی است که به طور غیررسمی عمل می‌کنند. این تولیدات و خدمات جزئی است که با پیشرفت سیستم ثبت اطلاعات اندازه‌ی آن به طور نسبی کاهش می‌یابد.

پاو^۲ (۱۹۹۱)، فعالیت‌ها در اقتصاد غیررسمی را به دو گروه قانونی و غیرقانونی تقسیم می‌کند:

فعالیت‌های قانونی که تولید کالاها و خدماتی که توسط قانون ممنوع شده یا به وسیله تولیدکنندگان غیرمجاز تولید شده است را شامل می‌شود، مانند قاچاق مواد مخدر، پولشویی و رشوه‌خواری.

فعالیت‌های قانونی، فعالیت‌هایی هستند که به دلیل اجتناب از پرداخت مالیات‌ها یا رعایت قوانین موجود، عمداً به صورت پنهانی انجام می‌گیرند.

جدول ۱-۲ انواع فعالیت‌ها در اقتصاد غیررسمی را نشان می‌دهد.

^۱. Transaction Costs

^۲. Pau, 1991

جدول ۲-۱: تقسیم بندی انواع فعالیت ها در اقتصاد غیررسمی

معاملات غیر پولی		معاملات پولی		انواع فعالیت ها
معاملات غیر پولی		معاملات پولی		فعالیت های غیر قانونی
معاملات غیر پولی		معاملات پولی		فعالیت های غیر قانونی
اجتناب از پرداخت مالیات	فرار مالیاتی	اجتناب از پرداخت مالیات	فرار مالیاتی	
تمام فعالیت های شخصی	معامله قانونی کالاها و خدمات	مزایای شغلی غیرنقدی	درآمدهای گزارش نشده از مشاغل فردی، دستمزد، حقوق و دارایی های مربوط به خدمات و کالاها قانونی	فعالیت های قانونی

منبع: Lippert and Walker (۱۹۹۷).

پاو^۱ عواملی که ممکن است باعث افزایش اندازه اقتصاد غیررسمی شود به صورت زیر بیان می کند:

- ✓ رکود اقتصادی، فقر و یک ساختار نامتناسب در بازار کار.
- ✓ مالیات های بالا و بارمسؤولیت تامین اجتماعی.
- ✓ شدت مقررات دولتی مانند مقررات بازار کار.

توماس^۲ (۱۹۹۱) در تعریف اقتصاد غیررسمی اظهار می دارد: "کلیه فعالیت هایی که به عللی در حساب های ملی منظور نمی شوند جزء اقتصاد غیررسمی اند." او فعالیت های انجام شده در بخش غیررسمی را به چهار گروه عمده تقسیم بندی می کند: بخش خانوار، بخش غیررسمی، بخش نامنظم و بخش غیرقانونی.

بخش خانوار: کالاها و خدماتی که در این بخش تولید می شود در این بخش نیز به مصرف می رسد.

ویژگی این بخش این است که محصولات آن کمتر به بازار عرضه می شود و فقدان قیمت در آن برای کالاها تولیدی باعث می شود ارزیابی ارزش کالاها دشوار باشد و در نتیجه در حساب های ملی نادیده گرفته شود.

^۱. Pau, 1991

^۲. Thomas, 1991

بخش غیررسمی: شامل تولیدکنندگان جزء و کارکنان آنها و همچنین کسبه و پیشه‌وران بدون کارگر و کارکنان خدمات تجاری، حمل و نقل و دیگر خدمات غیررسمی است. با توجه به این که تعداد بسیاری از فعالان در این بخش نیز در خانه‌ها فعالیت می‌کنند می‌توان تفاوت عمده این دو بخش را به صورت زیر بیان کرد:

تولیدات بخش غیررسمی بر خلاف تولیدات خانگی یا به صورت کالاها و خدمات واسطه به سایر تولیدکنندگان، یا به صورت کالا و خدمات نهایی به مصرف‌کننده به فروش می‌رسد و این بدان معنی است که مبادلات بازاری صورت می‌گیرد. بنابراین چون مبادلات بازاری باعث به وجود آمدن آمار مبتنی بر قیمت است، علتی برای منظور نکردن آن در حساب ملی وجود ندارد. علت کنار گذاشتن بخش غیررسمی عمدتاً ناشی از دشوار و پرهزینه بودن جمع‌آوری اطلاعات آماری در این بخش است. نکته قابل توجه دیگر در مورد این بخش این است که کالاها و خدمات تولید شده در این بخش و نیز مصرف آنها منع قانونی ندارد و کاملاً مجاز است.

ویژگی‌های بخش غیررسمی از دیدگاه سازمان بین‌المللی کار عبارت است از: ۱- سهولت ورود به آن، ۲- اتکا آن به منابع داخلی، ۳- خانوادگی بودن مالکیت کارگاه، ۴- کوچک و محدود بودن عملیات و فعالیت‌ها، ۵- کاربر بودن روش‌های تولید و تکنولوژی مورد استفاده، ۶- کسب مهارت‌ها از خارج از سیستم رسمی مدارس، ۷- وجود بازار فاقد کنترل و رقابتی.

ویژگی‌های بخش رسمی عبارت است از: ۱- دشوار بودن ورود به آن، ۲- اتکا زیاد به منابع خارجی، ۳- مالکیت به صورت شرکت، ۴- وسیع بودن عملیات و فعالیت‌ها، ۵- سرمایه‌بر بودن و استفاده عمده از تکنولوژی وارداتی، ۶- کسب مهارت‌ها از سیستم رسمی مدارس و اغلب کسب شده از خارج از کشور، ۷- وجود بازار رسمی و حمایتی (از طریق مقررات گمرکی، وجود سهمیه‌بندی و غیره)

بر خلاف تعریف فوق که براساس نوع موسسه می‌باشد، کیت هارت تعریف خود را برحسب اشخاص و اینکه آیا آنها حقوق‌بگیر (بخش رسمی) هستند یا کسب و کار شخصی دارند (بخش غیررسمی) استوار نمود. وی فهرست انواع فعالیت‌های مربوط به دو بخش را به شرح ذیل ارائه کرد و به این نکته مهم اشاره نمود که در بسیاری از موارد ممکن است مردم بیش از یک نوع فعالیت داشته و در هر دو بخش فعالیت نمایند.